



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1403.19.1.2.6

Analysis of the Relationship between the Livability of Rural Houses and the Quality of Life of Villagers (Case Study: Zirkoh County, Zirkoh District)

Mohammad Gholami¹, Hamdollah Sojasi Gheidari^{2*} & Aliakbar Anabestani³

1. M.A in Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Associate Professor, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Professor, Department of Human Geography & Education, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

* Corresponding author: Email: ssojasi@um.ac.ir

Receive Date: 31 August 2021

Accept Date: 09 April 2023

ABSTRACT

Introduction: Quality of life and its promotion is the most important approach in rural and urban planning. Several factors and can have an impact on the quality of life of villagers, one of them is livability and standard housing. Rural housing as a basic human need, with wide economic, social, cultural, environmental and physical dimensions, has a significant impact on the quality of life and sustainable rural development.

Research Aim: The purpose of this study was to investigate the relationship between livability housing and quality of life of villagers in the village of Zirkooh.

Methodology: This study was done by the descriptive-analytic method. The population of the study consisted of 15 rural villagers with 1417 households. The sample size is 313 households that was selected by using the Cochran formula with a 5% error measurement.

Studied Areas: The geographical area of this research is Zirkoh district.

Results : According to the results, the livability variable with a Pearson statistic of 0.616 with high quality of life has a strong direct correlation. Also, due to the significant level that is less than 0.05, the livability variable has a significant relationship with the quality of life and has the ability to be generalized to the whole society. The effect of livability variable on both objective and subjective dimensions was confirmed but according to the adjusted coefficient of determination for the mental dimension of quality of life is 0.307 and for the objective dimension is 0.328, which indicates that 30.7% of the subjective changes and 32.8% of the objective dimension changes in the dependent villages is livability housing. more effect of the livability housing variable on the objective dimension of quality of life.

Conclusion: The results of the research show that the villages of Pishbar, Bemroud, Mohammad Abad, Hossein Abad and Ardkol have the highest level of housing livability. On the other hand, the villages of Mehrak, Gamanj, Hassan Abad and Tajnoud have the lowest level of housing livability from the point of view of the sample community, and the average housing livability in the villages of the studied area is in the medium to high range. The highest average is for the social dimension (3.55) and the lowest the average belongs to the economic dimension (3.06).

KEYWORDS: Rural House, Livability, Quality of Life (mental, objective), Zirkoh District



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۹، شماره ۱ (پیاپی ۶۶)، بهار ۱۴۰۳
شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۰۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۹۱-۷۹

Dor: 20.1001.1.25385968.1403.19.1.2.6

مقاله پژوهشی

تحلیل رابطه زیست‌پذیری مسکن روستایی با کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان زیرکوه، دهستان زیرکوه)

محمد غلامی^۱ و حمدالله سجاسی قیداری^{۲*} و علی اکبر عنابستانی^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Email: ssojasi@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۹ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی و ارتقای آن مهم‌ترین رویکرد در برنامه‌ریزی‌های روستایی و شهری می‌باشد. عوامل و عناصر متعددی می‌توانند در ارتقا کیفیت زندگی روستاییان تأثیرگذار باشند که یکی از آن‌ها مسکن قابل زیست و استاندارد می‌باشد. مسکن روستایی به‌عنوان نیاز اولیه انسان، با ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی خود تأثیر بسزایی در کیفیت زندگی و توسعه پایدار روستایی دارد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بررسی رابطه بین مسکن زیست‌پذیر و کیفیت زندگی (ذهنی و عینی) روستاییان دهستان زیرکوه انجام شده است.

روش‌شناسی تحقیق: در این راستا روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش را روستاییان ۱۵ نقطه روستایی تشکیل می‌دهند که دارای ۱۴۱۷ خانوار می‌باشند. تعداد نمونه‌ها ۳۱۳ خانوار می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران با خطای اندازه‌گیری ۵ درصد انتخاب شده‌اند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، دهستان زیرکوه است.

یافته‌ها: با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، متغیر زیست‌پذیری با آماره پیرسون $0/616$ با کیفیت زندگی دارای رابطه‌ای مستقیم با شدتی قوی می‌باشد. همچنین با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده که کوچک‌تر از $0/05$ می‌باشد، متغیر زیست‌پذیری دارای رابطه معنی‌داری با کیفیت زندگی است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. تأثیر متغیر زیست‌پذیری مسکن بر هر دو بعد عینی و ذهنی مورد تأیید قرار گرفت اما با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده که برای بعد ذهنی کیفیت زندگی برابر با $0/307$ و برای بعد عینی کیفیت زندگی $0/328$ می‌باشد که نشان می‌دهد $30/7$ درصد از تغییرات بعد ذهنی و $32/8$ درصد از تغییرات بعد عینی در روستاهای نمونه وابسته متغیر زیست‌پذیری مسکن است و تأثیر متغیر زیست‌پذیری مسکن بیشتر بر بعد عینی کیفیت زندگی است.

نتایج: نتایج پژوهش بیانگر این می‌باشد که روستاهای پیشبر، بمرود، محمدآباد و حسین‌آباد و اردکول بالاترین سطح زیست‌پذیری مسکن را دارا می‌باشند. در مقابل روستاهای مهرک، گمنج، حسن‌آباد و تجنود دارای پایین‌ترین سطح زیست‌پذیری مسکن از دید جامعه نمونه‌اند و میانگین زیست‌پذیری مسکن در روستاهای منطقه مورد مطالعه در حد متوسط به بالا قرار دارد و بیشترین میانگین به بعد اجتماعی ($3/55$) و کمترین میانگین متعلق به بعد اقتصادی ($3/06$) است.

کلیدواژه‌ها: مسکن روستایی، زیست‌پذیری، کیفیت زندگی (ذهنی، عینی)، دهستان زیرکوه

مقدمه

توسعه پایدار روستایی به عنوان هدف راهبردی برنامه‌ریزی روستایی است که در آن پیوند ابعاد پایداری، به‌ویژه پایداری اجتماعی، نهادی، اقتصادی، محیطی و کالبدی مسئله‌ای بسیار مهم می‌آید. در این میان بعد کالبدی به عنوان یکی از ابعاد عینی فضاهای روستایی است که کیفیت و کارایی آن، تاثیر بالایی بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی روستاها و ساکنین آن دارد. بنابراین، تحول و ساماندهی کالبدی نخستین گام به‌منظور ارتقای عملکرد مطلوب سکونتگاه‌ها و انسان‌های ساکن در آن است (رضوانی، ۱۳۸۳). زیرا کالبدی روستاها دربرگیرنده عناصر متعددی مانند مسکن، راه‌های ارتباطی، زمین‌های کشاورزی و بایر پیرامون روستاها می‌باشد که ارتباط پیوسته ای با زندگی و حیات روزمره روستاییان دارد. در این میان مسکن به عنوان زیستگاه روستاییان و همچنین معنا بخش فضاهای روستایی از اهمیت بالایی در کیفیت زندگی روستایی برخوردار می‌باشد. بنابراین در راستای تحول و ساماندهی کالبدی سکونتگاه‌ها، بخش مسکن را می‌توان اصلی‌ترین عنصر در یک جامعه دانست. در واقع مسکن یک جز اساسی و تاثیرگذار بر کیفیت زندگی و همچنین توسعه پایدار روستاها بشمار می‌رود. به‌طوری که مسکن با قابلیت زیست مناسب تاثیرگذار در کیفیت زندگی انسانی می‌باشد. به همین دلیل تاکنون تحقیقات متعددی به‌صورت جداگانه در رابطه با موضوع زیست پذیری^۱ و کیفیت زندگی انجام‌شده است (جدول ۱).

جدول ۱. پیشینه تحقیق

نویسنده (سال)	عنوان	یافته‌های تحقیق
سجاسی قیداری و صادقلو (۱۳۹۴)	بررسی رابطه زیست پذیری سکونتگاه‌های روستایی بر تاب‌آوری روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی نواحی روستایی دهستان مراوه‌تپه و پالیزان	با افزایش و بالا بودن سطح زیست پذیری در مناطق روستایی، هم‌زمان سطح تاب‌آوری روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی نیز افزایش پیدا می‌کند؛
خراسانی (۱۳۹۱)	تبیین زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهرستان ورامین)	زیست پذیری را در سه بعد اقتصادی، اجتماعی زیست‌محیطی مورد مطالعه قرار داده است... زیست پذیری در مجموع در روستاهای شهرستان ورامین در شرایط مطلوب قرار دارد.
عنابستانی و همکاران (۱۳۹۴)	تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (نمونه بخش سیمکان-شهرستان جهرم)	بین ابعاد زیست‌محیطی، کالبد، اقتصادی و اجتماعی باکیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد
جمعه پور و طهماسبی تهرانی (۱۳۹۱)	تبیین میزان زیست پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار)	در این تحقیق متغیرهای اصلی در افزایش کیفیت زیست و زندگی در منطقه مورد مطالعه به ترتیب درجه اهمیت، اولویت بندی شده اند.
علیزاده و همکاران (۱۳۹۲)	ارزیابی کیفیت محیط زندگی در نواحی روستایی از دیدگاه ساکنین	میزان رضایت شهروندان از کیفیت محیط در حد مطلوب قرار ندارد.
اگوستینی و فانتینی (۲۰۰۸)	کیفیت زندگی و کیفیت شرایط زندگی در مناطق روستایی	همچنین مطالعات در هر دو شهرستان نشان داد که حمل‌ونقل بر کیفیت زندگی آن‌ها بسیار مهم است.
وان کمپ و همکاران (۲۰۰۳)	کیفیت محیط زیست شهری و رفاه انسان: چارچوب مفهومی و مشخص کردن مفهوم. یک مطالعه ادبیات	به دنبال انجام این پژوهش ۱۱ حوزه کلی در ارتباط با سلامت اجتماعی و رفاه مشخص گردید و ارتباطشان با سلامت و رفاه تأیید شد.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تحقیقات پیرامون کیفیت زندگی روستاییان و ارتباط آن با زیست پذیری مسکن روستایی به‌طور خاص، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تحقیقات داخلی و خارجی بیشتر حول محور زیست پذیری شهری است. در تحقیقات داخلی نیز عمدتاً به بررسی زیست پذیری نقاط روستا-شهری و پیرامون شهری پرداخته شده است. این درحالی است که مسکن به‌عنوان نیاز اولیه بشر و تأمین‌کننده حس رضایتمندی انسانها، نقش اساسی را در بهبود کیفیت زندگی بازی می‌کند (ابراهیم زاده و قادرمزنی، ۱۳۹۴). در این سرپناه برخی نیازهای اولیه خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط محیطی تأمین می‌شود. مسکن با تأمین برخی نیازهای اساسی انسان رضایتمندی از زندگی را فراهم می‌کند؛ و بدین‌وسیله بر کیفیت زندگی انسان اثر گذاشته و می‌تواند با ضمانت زندگی به‌طور صحیح در ارتباط قرار گیرد (Wang, 2010: 415)؛ بنابراین، نظم بخشیدن به کالبد سکونتگاه روستایی و فراهم آوردن شرایط مناسب برای زیست پذیر کردن مسکن آن، به‌منزله زیربنای توسعه پایدار نواحی روستایی بوده و تأثیرگذار در کیفیت زندگی است. مسئله بودن زیست پذیری در جامعه روستایی ایران ناشی از

1. Livability
2. D'Agostini and Fantini
3. Van Kamp

افزایش آگاهی و شناخت نسبت به مشکلاتی چون: الگوهای ناپایدار زندگی، مهاجر فرستی و غالباً محروم بودن مناطق روستایی می‌باشد. تحقیقات صورت گرفته در مناطق روستایی نشان می‌دهد که این مناطق اغلب با کاهش جمعیت، فقر، مسکن نامناسب و ناامن، بهداشت نامناسب محیطی و محرومیت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی مواجه می‌باشند که این موضوع از بی‌توجهی به روستاها و مسئله زیست پذیری نشأت می‌گیرد (خراسانی، ۱۳۹۱). سکونتگاه‌های روستایی برای سکونت پذیری، لازم است در ابعاد گوناگون دارای قابلیت و شرایط سکونت باشند؛ که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، زیست پذیری مسکن روستایی است (Dajian & Peter, 2006). مروری بر شرایط مسکن روستایی در جوامع مختلف نشان می‌دهد که تقریباً هیچ کشوری مدعی حل مشکلات در جامعه خود نیست. بالین حال کشورهای درحال توسعه همچون ایران، از نظر مسکن روستایی با مشکلات بیشتری همچون بی‌مسکنی، بد مسکنی، کمبود اعتبارات تعمیر و نگهداری مسکن و غیره مواجه می‌باشند. برآیند چنین شرایطی، وجود مسکن ناامن، ناپایدار، غیربهداشتی، و... در محیط‌های روستایی است که متناسب با استانداردهای یک زندگی انسانی نمی‌باشد. لذا با توجه با آثار گسترده اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی، زیست‌محیطی و روان‌شناختی مسکن بر محیط روستا می‌توان دریافت که تحقق بسیاری از اهداف توسعه پایدار و مهم‌تر از آن کیفیت زندگی روستاییان درگرو مسکن زیست پذیر می‌باشد. زیرا مسکن زیست پذیر می‌تواند بستر مناسبی برای زندگی سالم، آرام و امن برای روستاییان بوده و کیفیت زندگی روستاییان را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس بررسی و ارزیابی زیست پذیری مسکن روستایی می‌تواند راهکار مناسبی جهت تغییر کیفیت زندگی روستاییان باشد؛ زیرا مسکن برای افراد بیش از یک سرپناه و کالبد می‌باشد که برخورداری از آن می‌تواند بر ارتقاء کیفیت زندگی تأثیرگذار باشد. ازاین‌رو مطالعه حاضر درصدد است تا ارتباط بین مسکن مناسب و زیست‌پذیر را باکیفیت زندگی در بین ساکنان دهستان زیرکوه بررسی نماید. لذا این تحقیق باهدف کلی بررسی رابطه زیست پذیری مسکن روستایی باکیفیت زندگی (عینی و ذهنی) روستاییان شهرستان زیرکوه به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که رابطه بین زیست پذیری مسکن روستایی و کیفیت زندگی روستاییان در شهرستان زیرکوه چگونه می‌باشد؟ و بیشترین تأثیرگذاری زیست پذیری مسکن روستایی بر کدام بعد از کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) در شهرستان زیرکوه می‌باشد؟

همان طوریکه در ادبیات علمی نیز تأکید شده است، کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و ازاین‌رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به‌عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی ازاین‌دست تعبیر کرده‌اند (رضوانی، منصوریان، ۱۳۸۷). کیفیت زندگی یک مفهوم عینی و ذهنی است که مسائل مختلفی را درباره مردم مختلف ارائه می‌دهد (Kalfoss & Halvorsrud, 2009: 45). کیفیت زندگی همانند زیست پذیری مفهومی پیچیده و چندبعدی است که از مؤلفه‌هایی نظیر مکان و زمان و نیز ارزش‌های فردی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و ازاین‌رو از دیدگاه‌های افراد و گروه‌های مختلف، با معانی گوناگونی همراه است. برخی آن را مترادف با زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر اندازه‌گیری برای میزان جذابیت و برخی نیز رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی ازاین‌دست تعبیر کرده‌اند (شکل ۱) (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰).



شکل ۱. مدل ارتباط زیست پذیری و کیفیت زندگی

(Source: Issa Lo & et al., 2014)

به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان داشت که زیست‌پذیری به‌صورت یکی از جنبه‌هایی تعریف می‌شود که می‌تواند به کیفیت بالای زندگی کمک کند. همچنین، کیفیت زندگی پایداری و ثبات محیط‌زیست را نشان می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). باین‌حال عوامل متعددی بر کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) به‌عنوان مفهوم علمی تأثیرگذار می‌باشند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها برخورداری از مسکن زیست‌پذیر می‌باشد؛ زیرا مسکن به‌عنوان از کالاهای اساسی مورد نیاز هر خانوار می‌باشد. بنابراین، مسکن زیست‌پذیر به معنی یک مسکن مناسب است که به لحاظ فرمی، زیبا و منطبق با شرایط محیطی، با میزان ماندگاری و طول عمر بالا، رعایت استانداردهای ساخت‌وساز، امنیت بالا و مصرف انرژی پایین است. لذا مسکن با کیفیت باید از جنبه‌های مختلف دارای استانداردهای لازم برای زندگی کردن باشد. به‌طوری که مسکن باکیفیت (زیست‌پذیر) باید از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی دارای کیفیت مناسب باشد؛ زیرا کیفیت مسکن، تأثیر قابل‌توجهی بر روی شیوه‌های زندگی، مسائل جسمی و روانی افراد، سلامت، برخورداری از امکانات، امنیت و برخورد با افراد دیگر اجتماع دارد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴)؛ بنابراین توجه به مسکن و کیفیت و ابعاد آن جهت رسیدن به توسعه روستایی و فراهم آوردن فضایی قابل‌زیست، جهت سرزندگی جوامع روستایی ضروری می‌نماید (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۵)؛ که تأثیرگذار بر کیفیت زندگی ساکنان روستاها به لحاظ عینی و ذهنی است. زیرا یک مسکن زیست‌پذیر و با قابلیت‌ها و استانداردهای لازم می‌تواند در افزایش کیفیت زندگی روستاییان تأثیرگذار باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، باهدف کلی بررسی رابطه زیست‌پذیری مسکن روستایی باکیفیت زندگی روستاییان، در سال ۱۳۹۷ انجام‌شده است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و برحسب روش توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش متغیر مستقل "زیست‌پذیری مسکن" است متغیر وابسته نیز "کیفیت زندگی" است؛ که در جدول (۲) شاخص‌های زیست‌پذیری مسکن و در جدول (۳) شاخص‌های کیفیت زندگی عینی و ذهنی بیان‌شده‌اند که بر اساس بررسی نظری مستندات مرتبط به‌دست‌آمده است.

جدول ۲. شاخص‌های زیست‌پذیری مسکن

ابعاد	شاخص	گویه‌ها
	میزان برخورداری واحد مسکونی از امکانات	برخورداری واحد مسکونی از خدمات اساسی (آب‌لوله‌کشی و برق و تلفن) برخورداری واحد مسکونی از تسهیلات سرمایشی و گرمایشی برخورداری واحد مسکونی از امکانات بهداشتی برخورداری واحد مسکونی از اینترنت
زیست‌پذیری اجتماعی مسکن	آسایش و رفاه	میزان احساس آسایش و آرامش در واحد مسکونی میزان رضایت از تعداد اتاق در یک واحد مسکونی رضایت از واحد مسکونی در افزایش تعلق خاطر به زندگی در روستا
	امنیت	میزان ایمنی و استحکام واحد مسکونی در برابر عوامل طبیعی رضایت از واحد مسکونی در ایجاد محیطی امن برای اوقات فراغت کودکان خانوار ساکن رضایت از عدم اشرافیت فضاهای داخل به خارج و خارج به داخل واحد مسکونی رضایت از واحد مسکونی در جهت تأمین امنیت اموال و دارایی‌ها در برابر عوامل مزاحم اجتماعی
زیست‌پذیری اقتصادی مسکن	اشتغال	میزان تناسب مسکن با فعالیت‌های کشاورزی و دامداری میزان فاصله مسکن از محل کار (سهولت دسترسی)
	هزینه‌ها	رضایت از قیمت تمام‌شده مسکن رضایت از هزینه‌های تعمیر مسکن
	فضاهای سبز و باز	رضایت ساکنین واحدهای مسکونی از محله مسکونی رضایت از وسعت فضای بازی کودکان در واحد مسکونی رضایت از راه دسترسی به واحد مسکونی در روستا رضایت از فضای سبز در واحد مسکونی
زیست‌پذیری محیطی	چشم‌انداز	رضایت از چشم‌انداز مناسب خانه‌ها و بناها چشم‌انداز مناسب معابر و خیابان‌های منتهی به مسکن
	بهداشت	میزان رضایت از وضعیت سرویس بهداشتی و حمام میزان رضایت از سیستم دفع فاضلاب خانگی میزان فاصله محل نگهداری دام از محل سکونت
	کالبد واحد مسکونی	رضایت از ابعاد واحد مسکونی رضایت از سطح زیربنای واحد مسکونی
زیست‌پذیری کالبدی	روشنایی	میزان نورگیری ساختمان مسکونی میزان سایه‌گیری مسکن در فصل گرما
	سازه	رضایت از نوع مصالح بکار رفته در ساختمان مسکونی رضایت از عایق‌بندی ساختمان مسکونی

Resources: Golpayegani & et al., 2013; Zargar and Hatami Khaneghah, 2014; Rezaei and Kamai-zadeh, 2012

جدول ۳. شاخص و گویه‌های ذهنی و عینی کیفیت زندگی روستاییان

شاخص	گویه‌های کیفیت ذهنی زندگی	گویه‌های کیفیت عینی زندگی
اجتماعی	رضایت از امکانات در سطح روستا رضایت از اوقات فراغت رضایت از امنیت اماکن عمومی رضایت از حمایت همسایگان رضایت از دسترسی به پاسگاه و حضور به موقع نیروی انتظامی	بهره‌مندی از امکانات فرهنگی بهره‌مندی از امکانات آموزشی بهره‌مندی از امکانات تفریحی برخوردار بودن از امکانات بهداشتی و درمانی
اقتصادی	رضایت از شغل رضایت از درآمد توانایی پس‌انداز کردن امید به آینده شغلی	برخوردار بودن از تنوع فرصت‌های شغلی درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در روستا
محیطی	رضایت از پاکیزگی روستا رضایت از سکون و آرامش و نبود آلودگی صوتی رضایت از وجود سرویس بهداشتی در فضاهای عمومی روستا	بهره‌مندی از شبکه دفع فاضلاب وجود سرویس بهداشتی در مکان‌های عمومی روستا برخوردار بودن از پاکیزگی محله نبود آلودگی صوتی
کالبدی	رضایت از وجود تسهیلات مناسب در منزل (حمام، سرویس بهداشتی و ...) احساس امنیت در برابر مخاطرات محیطی رضایت از امکانات تفریحی رضایت از امکانات بهداشتی و درمانی رضایت از جمع‌آوری زباله در روستا رضایت از وضعیت شبکه ارتباطی و راه‌های داخل روستا	سهولت دسترسی مصالح بکار رفته در ساختمان دسترسی به پارک دسترسی به راه و جاده آسفالت وضعیت معابر از لحاظ سهولت دسترسی کیفیت واحد مسکونی به‌طور کلی

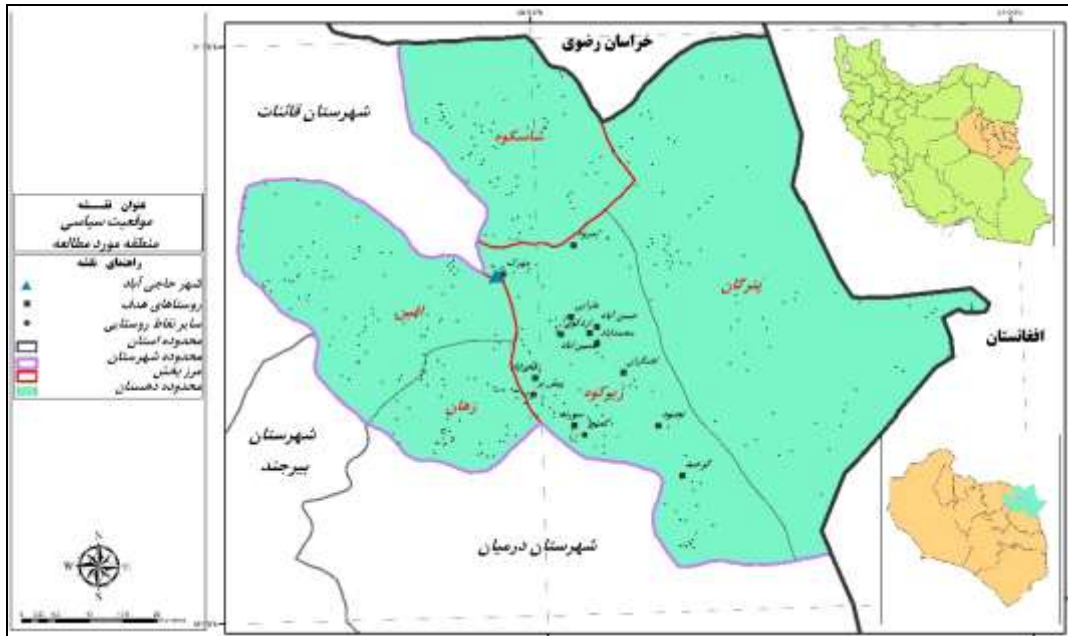
Sources: Alavi & et al., 2015; Nejat, 2008; Ghayed Rahmati and Jamshidi, 2015

برای عملیاتی کردن مطالعه، سکونتگاه‌های روستایی دهستان زیرکوه واقع در بخش مرکزی شهرستان زیرکوه انتخاب شدند. بالا بودن نرخ مهاجرت در سال‌های اخیر، عدم دسترسی عادلانه به مسکن مناسب در بین روستاهای این ناحیه، قرار گرفتن بر روی گسل و اینکه این دهستان دارای خطوط مرزی مشترک با کشور افغانستان است، همه این دلایل باعث در اولویت قرار گرفتن این منطقه به‌عنوان محدوده مورد مطالعه شده است. بدین منظور جامعه آماری این تحقیق، تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار دهستان زیرکوه، شامل ۵۴ روستا است. لذا تعداد ۱۵ روستا (با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه با خطای ۰/۵ درصد) به‌صورت تصادفی به‌عنوان نمونه، انتخاب شده‌اند که دارای ۱۴۱۷ خانوار هستند. سطح تحلیل در این تحقیق روستاها هستند و واحد تحلیل خانوارهای روستایی هستند. با استفاده از فرمول کوکران با احتمال ۹۵ درصد و با خطای ۰/۰۵ از روستاهای مورد مطالعه تعداد ۳۱۱ سرپرست خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب شده است (که بعد از اصلاح نهایی تعداد نمونه در ۱ روستا به حدنصاب (۱۰ خانوار) نرسید و به ۳۱۳ خانوار ارتقا یافت) و بر اساس قاعده تسهیم به‌نسبت تعداد سرپرست خانوار نمونه در هر روستا توزیع شدند. همچنین، در این پژوهش، به‌منظور گردآوری اطلاعات مرتبط با مباحث نظری، از جستجوهای اینترنتی و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و داده‌های تجربی نیز با استفاده از پرسشنامه‌ای استاندارد (در قالب طیف لیکرت) که این پرسشنامه ابتدا در اختیار متخصصین قرار گرفت و روایی ابزار تحقیق سنجیده شده و سپس اعتماد یا پایایی (مقدار آلفای کرونباخ برای پرسشنامه زیست‌پذیری. ۰/۷۵۰ و برای پرسشنامه کیفیت زندگی ۰/۸۱۰) آن مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی همچون آزمون پیرسون، رگرسیون خطی ساده، آزمون T و آزمون Games- Howell در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

منطقه‌ی مورد مطالعه سکونتگاه‌های روستایی دهستان زیرکوه واقع در بخش مرکزی شهرستان زیرکوه در استان خراسان جنوبی است. این شهرستان در شرق استان خراسان جنوبی و در عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه و طول جغرافیایی ۲۰ درجه و ۶۰ دقیقه واقع شده است، مساحت این شهرستان ۶۴۲۸ کیلومتر مربع برآورد می‌شود. از شمال به استان خراسان رضوی، از غرب به شهرستان قاینات از غرب به کشور افغانستان و از جنوب به شهرستان درمیان محدود می‌گردد. ارتفاع آن ۱۳۳۰ متر از سطح دریا

است. شهرستان زیرکوه به مرکزیت شهرهای آباد، در شمال شرقی استان خراسان جنوبی واقع شده است. زیرکوه تا ۲۱ فروردین ۱۳۹۱ یکی از بخش‌های شهرستان قائنات بود که در این تاریخ به شهرستان ارتقاء یافت. این شهرستان شامل ۳ بخش و ۶ دهستان و ۱۰۵ روستا که مجموعاً دارای ۴۱۰۰۰ نفر جمعیت است. بخش مرکزی شهرستان زیرکوه شامل: دهستان زیرکوه و دهستان پترگان، بخش زهان شامل: دهستان زهان و دهستان افین و در نهایت بخش شاسکوه شامل: دهستان شاسکوه و دهستان بهمین آباد، است.



شکل ۲. موقعیت روستاهای مورد مطالعه در شهرستان زیرکوه و دهستان زیرکوه

یافته‌ها و بحث

بررسی یافته‌های توصیفی نشان داد که ۹۳/۳ درصد از نمونه‌های مورد بررسی مرد و ۶/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. به لحاظ توزیع سنی، ۶/۷ درصد نمونه‌ها کمتر از ۳۰ سال، ۳۲/۶ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۰/۶ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۰/۴ درصد نیز بیش از ۵۱ سال قرار دارند. بررسی سطح سواد نمونه‌ها نشان داد که ۸۸/۲ درصد نمونه‌ها زیر دیپلم؛ ۸/۳ درصد دیپلم و ۳/۵ درصد نیز لیسانس و بالاتر می‌باشند. وضعیت تأهل اعضای نمونه آماری نیز نشان داد که ۹۹ درصد نمونه‌ها متأهل و ۱ درصد نیز مجرد می‌باشند. در مورد وضعیت اشتغال اعضای نمونه آماری تحقیق می‌توان گفت ۰/۰۶ درصد بیکار و ۵۸/۵ درصد کشاورز ۱۹/۸ درصد دامدار، ۶/۴ درصد کارمند و ۱۴/۷ درصد نیز دارای شغل آزاد می‌باشند.

بررسی متغیر زیست‌پذیری مسکن به‌عنوان متغیر مستقل نشان داد که انحراف معیار ۰/۱۹ و میانگین زیست‌پذیری مسکن ۳/۲۴ می‌باشد و این نشان‌دهنده این است که میانگین زیست‌پذیری مسکن در منطقه مورد مطالعه در حد متوسط به بالا قرار دارد. این متغیر در ۴ بعد زیست‌پذیری (اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی) مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به آنچه در جدول مذکور قابل مشاهده است بیشترین میانگین به بعد زیست‌پذیری اجتماعی (۳/۵۵) و کمترین میانگین نیز متعلق به بعد زیست‌پذیری اقتصادی (۳/۰۶) می‌باشد. بنابراین در وضع موجود، وضعیت زیست‌پذیری مسکن روستاییان در حد متوسط قرار دارد که این امر نشان دهنده شرایط متوسط روستاها از جهت قابلیت سکونت می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴. آماره‌های توصیفی شاخص‌های متغیر زیست پذیری مسکن

شاخص	میانگین	میانه	انحراف معیار
بعد زیست پذیری اجتماعی مسکن	۳/۵۵	۳/۵۸	۰/۲۸
زیست پذیری اقتصادی مسکن	۳/۰۶	۳	۰/۳۸
زیست پذیری محیطی مسکن	۳/۰۸	۳/۱۳	۰/۳۳
زیست پذیری کالبدی مسکن	۳/۲۹	۳/۳۳	۰/۲۸
متغیر زیست پذیری مسکن	۳/۲۴	۳/۲۶	۰/۱۹

در ادامه با توجه به میانگین زیست پذیری مسکن در تمام روستاها به جز کلاته مهرک که در حد متوسط به پایین است، میانگین زیست پذیری روستاها در حد متوسط به بالا می باشد. بیشترین میزان زیست پذیری مسکن در بین روستاهای نمونه نیز در روستای پیشبر با میانگین ۳/۴۴ مشاهده شده است (جدول ۵). بنابراین می توان گفت شکاف و اختلاف بالایی به لحاظ زیست پذیری در بین روستاهای مورد بررسی وجود ندارد و شرایط زیست پذیری روستاها تقریباً یکسان می باشد.

جدول ۵. میانگین متغیر زیست پذیری مسکن به تفکیک روستا

ردیف	روستا	میانگین	رتبه
۱	گزخت	۳/۲۲	۶
۲	مهمان شهر	۳/۰۵	۱۲
۳	حسن آباد	۳/۰۷	۱۱
۴	گمنج	۳/۰۲	۱۳
۵	سورند	۳/۱۴	۹
۶	بمرود	۳/۴۰	۲
۷	اردکول	۳/۳۶	۳
۸	حسین آباد و محمدآباد	۳/۳۴	۴
۹	کلاته مهرک	۲/۸۹	۱۴
۱۰	بقرای	۳/۱۴	۸
۱۱	پیشبر	۳/۴۴	۱
۱۲	فخرآباد	۳/۲۳	۵
۱۳	تجنود	۳/۰۹	۱۰
۱۴	حسین آباد	۳/۲۰	۷

در ادامه بررسی متغیر کیفیت زندگی در روستاها نشان داد که انحراف معیار ۰/۲۶ و میانگین کیفیت زندگی ۲/۸۵ می باشد و این بیانگر این می باشد که میانگین کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه در حد متوسط به پایین قرار دارد. این متغیر با استفاده از ۲ بعد (عینی و ذهنی) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین بیشترین میانگین به بعد ذهنی (۲/۹۲) و کمترین میانگین نیز متعلق به بعد عینی (۲/۷۷) می باشد (جدول ۶). بنابراین سطح کیفیت زندگی در بین روستاییان مورد مطالعه به صورت میانگینی، اندکی پایین تر از حد متوسط قرار دارد. همچنین به توجه به نتایج بعد ذهنی کیفیت زندگی بهتر از بعد عینی آن در بین روستاییان است.

جدول ۶. آماره‌های توصیفی کیفیت زندگی و ابعاد آن

شاخص	میانگین	میانه	انحراف معیار
بعد عینی کیفیت زندگی	۲/۷۷	۲/۷۷	۰/۳۰
بعد ذهنی کیفیت زندگی	۲/۹۲	۲/۸۹	۰/۲۶
کیفیت زندگی	۲/۸۵	۲/۸۳	۰/۲۶

در ادامه با توجه به آنچه در جدول ۷ قابل مشاهده است، میانگین کیفیت زندگی در تمام روستاها به جز روستاهای پیشبر، حسین آباد و محمدآباد و بمرود که در حد متوسط به بالا است، در حد متوسط به پایین است بیشترین میزان کیفیت زندگی در بین روستاهای نمونه در روستای بمرود با میانگین ۳/۰۹ مشاهده شده است.

جدول ۷. میانگین متغیر کیفیت زندگی به تفکیک روستا

ردیف	روستا	میانگین	رتبه
۱	گزخت	۲/۸۹	۵
۲	مهمان شهر	۲/۵۸	۱۳
۳	حسن آباد	۲/۴۱	۱۴
۴	گمنج	۲/۶۶	۱۰
۵	سورند	۲/۷۴	۷
۶	بمرود	۳/۰۹	۱
۷	اردکول	۲/۸۶	۶
۸	حسین آباد و محمدآباد	۳/۰۳	۳
۹	کلاته مهرک	۲/۶۰	۱۲
۱۰	بقرایبی	۲/۷۴	۸
۱۱	پیشبر	۳/۰۷	۲
۱۲	فخرآباد	۲/۹۰	۴
۱۳	تجنود	۲/۶۵	۱۱
۱۴	حسین آباد	۲/۶۲	۹

بررسی نرمال بودن متغیرها

با توجه این‌که شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق از ترکیب گویه‌هایی در طیف لیکرت حاصل شده‌اند و مقیاس به مقیاس فاصله‌ای تغییر یافت. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع صفات شاخص‌ها و متغیرها از خطای استاندارد ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد. بدین صورت که اگر مقدار این خطا کوچک‌تر از ۲- و یا بزرگ‌تر از ۲+ باشد، در آن صورت فرض نرمال بودن توزیع رد می‌شود. همچنین چنانچه ضرایب چولگی و کشیدگی بین $-1/5$ و $+1/5$ باشد نیز توزیع شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشد؛ بنابراین، توزیع تمام شاخص‌ها، ابعاد و متغیرها به جز شاخص میزان برخورداری واحد مسکونی از امکانات دارای توزیع نرمال می‌باشند. بنابراین در جهت تبیین فرضیه تحقیق "بین زیست پذیر بودن مسکن روستایی و بهبود کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) روستاییان در روستاهای دهستان زیرکوه رابطه‌ی مستقیمی برقرار است." برای بررسی از آزمون پیرسون استفاده شد. این ضریب به منظور تعیین میزان رابطه، نوع و جهت رابطه‌ی بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی و یا یک متغیر فاصله‌ای و یک متغیر نسبی به کار می‌رود. با توجه به اینکه متغیر زیست پذیری مسکن و کیفیت زندگی نرمال می‌باشند و به دلیل کامپیوت شدن گویه‌ها، این دو متغیر فاصله‌ای شده‌اند، برای بررسی همبستگی بین این دو متغیر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر عدم وجود رابطه خطی بین زیست پذیری مسکن و کیفیت زندگی می‌باشد. اگر سطح معنی‌دار آزمون کمتر از $0/05$ به دست آید. می‌توان فرضیه صفر را رد کرد و وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر را پذیرفت، جدول (۸) نشان می‌دهد. متغیر زیست پذیری با آماره پیرسون $0/616$ با کیفیت زندگی دارای رابطه‌ای مستقیم با شدتی قوی می‌باشد بدین معنی که هرگاه میزان زیست پذیری مسکن روستایی در منطقه تقویت شود کیفیت زندگی هم تقویت خواهد شد همچنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کوچک‌تر از $0/05$ می‌باشد، متغیر زیست پذیری دارای رابطه معنی‌داری با کیفیت زندگی است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد که گویای این واقعیت است که بررسی رابطه بین زیست پذیری مسکن با کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه با اطمینان ۹۹ درصد تصادفی نیست و واقعی است؛ بنابراین فرضیه تحقیق مبنی به رابطه بین زیست پذیر بودن مسکن و کیفیت زندگی روستاییان شهرستان زیرکوه، پذیرفته می‌شود. بنابراین با تغییر مثبت و یا منفی در هر متغیری، متغیر دیگر دچار دگرگونی می‌شود. زیست پذیر بودن مسکن روستایی در کیفیت زندگی روستاییان تاثیر می‌گذارد.

جدول ۸. بررسی رابطه متغیر زیست پذیری مسکن و کیفیت زندگی

متغیر کیفیت زندگی	شاخص
$0/616$	آماره پیرسون
$0/00$	معناداری

در ادامه برای بررسی اینکه بیشترین تأثیرگذاری زیست پذیری مساکن بر کدام جنبه‌ی کیفیت زندگی روستاییان شهرستان زیرکوه می‌باشد، تأثیرگذاری زیست پذیری مسکن را بر کیفیت ذهنی و عینی زندگی به صورت جداگانه با استفاده از رگرسیون خطی ساده، جهت پیش‌بینی تأثیر متغیر زیست پذیری مسکن بر کیفیت زندگی (ذهنی و عینی) سنجیده شده است. براین اساس با توجه به جدول (۹) ضریب تعیین تعدیل شده برای بعد ذهنی برابر با $0/307$ و برای بعد عینی $0/328$ می‌باشد که نشان می‌دهد $30/7$ درصد از تغییرات بعد ذهنی و $32/8$ درصد از تغییرات بعد عینی در روستاهای نمونه وابسته متغیر زیست پذیری مسکن می‌باشد.

جدول ۹. مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد

ابعاد کیفیت زندگی	مقدار همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
بعد ذهنی	$0/556$	$0/309$	$0/307$	$0/21$
بعد عینی	$0/575$	$0/330$	$0/328$	$0/24$

همان گونه که در جدول (۱۰) مشخص است مقدار رگرسیون برای هر دو بعد از مقدار باقی مانده بزرگ‌تر از مجموع مجذورات رگرسیون است که نشان دهنده‌ی، قدرت تبیین پایین مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این دو مدل و میزان معناداری مقدار F برای هر دو بعد، برابر با $0/00$ است که کوچک‌تر از $0/05$ و معنادار است و متغیرهای مستقل قادر هستند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند؛ بنابراین فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم معنی داری مدل رگرسیون را با اطمینان ۹۹ درصد رد و هر دو مدل رگرسیونی از لحاظ آماری معنی دار است.

جدول ۱۰. مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
۶/۰۲۹	۱	۶/۰۲۹	۱۳۳/۸۳۷	$0/000$
باقی مانده	۲۹۹	$0/045$		
مجموع	۳۰۰			
۸/۸۸	۱	۸/۸۸	۱۴۸/۴۸	$0/000$
باقی مانده	۳۰۱	$0/06$		
مجموع	۳۰۲			

با توجه به آنچه در جدول (۱۱) نشان داده شده، مقدار بتا در هر دو مدل که آماره تی آن معنادار است متعلق به بعد ذهنی می‌باشد.

جدول ۱۱. ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون

ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	آماره تی	میزان معناداری	نتیجه
$0/551$	$0/556$	۲/۶۹	$0/008$	معنی دار است
$0/730$	$0/556$	۱۱/۵۶	$0/00$	معنی دار است
$-0/105$	$-0/44$		$0/656$	معنی دار نیست
$0/886$	$0/575$	۱۲/۱۸	$0/00$	معنی دار است

در ادامه با توجه به این که در جدول آنوا مقدار مجذورات باقی مانده بزرگ‌تر از مجموع مجذورات رگرسیون است که نشان دهنده‌ی، قدرت تبیین پایین مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. به بررسی اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق آزمون آنالیز واریانس پرداخته شده است؛ بنابراین متغیر زیست پذیری در سه گروه زیست پذیری در سطح پایین، زیست پذیری در سطح متوسط و زیست پذیری در سطح بالا تقسیم شد. نتایج آزمون آنالیز واریانس در جدول (۱۲) قابل مشاهده است. بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقدار سطح معناداری کمتر از $0/05$ است ($\text{sig} = 0/00$) بنابراین با توجه به نتایج جدول تفاوت میانگین بعد عینی و ذهنی بین سطوح مختلف زیست پذیری مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در واقع سطوح مختلف زیست پذیری بر دو بعد عینی و ذهنی در روستاهای مورد مطالعه مؤثر می‌باشد.

جدول ۱۲. مقایسه میانگین ابعاد عینی و ذهنی در سطوح مختلف زیست پذیری

Sig.	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	سطوح مختلف زیست پذیری
.۰۰۰۰	۲۶/۹۹۱	۱/۹۳۹	۲	۲/۸۷۸	بین گروهی
		۰/۰۵۲	۲۹۸	۱۵/۶۲	درون گروهی
			۳۰۰	۱۹/۴۹۷	کل
.۰۰۰۰	۴۴/۰۹۲	۳/۰۵۶	۲	۶/۱۱۳	بین گروهی
		۰/۰۶۹	۳۰۰	۲۰/۷۹۴	درون گروهی
			۳۰۲	۲۶/۹۰۷	کل

در ادامه با توجه به آنچه در جدول (۱۳) قابل مشاهده است با توجه به این که میزان معناداری آزمون لون در هر دو بعد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد عدم برابری واریانس‌ها تأیید می‌گردد؛ بنابراین برای مقایسه چندگانه از آزمون Games- Howell استفاده شده است که عملکرد بهتری نسبت به بقیه دارد.

جدول ۱۳. آزمون لون

میزان معناداری	df2	df1	آماره لون	
۰/۰۱	۲۹۸	۲	۴/۳۰	کیفیت ذهنی
۰/۰۰	۳۰۰	۲	۵/۴۸	کیفیت عینی

بر اساس جدول آزمون Games- Howell (جدول ۱۴) و سطح معناداری به دست آمده، اختلاف میانگین دو بعد عینی و ذهنی بین خانوارهای با سطوح زیست پذیری پایین، متوسط و بالا معنادار شده است. به عبارتی دیگر در گروه های متفاوت با سطح زیست پذیری متوسط، بالا و پایین، سطح کیفیت زندگی عینی و ذهنی نیز متفاوت می‌باشد. لذا کیفیت زندگی عینی و ذهنی نیز در بین روستاییان با سطح زیست پذیری مسکن متفاوت، دارای تفاوت می‌باشد.

جدول ۱۴. بررسی تفاوت ابعاد عینی و ذهنی در سطوح مختلف زیست پذیری

سطح احتمال ۹۵٪	Sig.	خطای انحراف	تفاوت میانگین (I-J)	سطوح (j) زیست پذیری مسکن	سطوح (i) زیست پذیری مسکن	ابعاد کیفیت زندگی	
۰/۱۰۸-	۰/۲۸۹-	۰/۰۰۰	۰/۰۳۷	متوسط	پایین	بعد ذهنی	
۰/۲۹۴-	۰/۴۸۵-	۰/۰۰۰	۰/۰۴۰	بالا	پایین		
۰/۲۸۹	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۳۷	پایین	متوسط		
۰/۱۲۳-	۰/۲۵۹-	۰/۰۰۰	۰/۰۲۹	۰/۱۹۹	۰/۱۹۱-	بالا	بعد عینی
۰/۴۸۵	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۴۰	۰/۳۹۰	۰/۳۹۰	پایین	
۰/۲۵۹	۰/۱۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۲۹	متوسط	۰/۱۹۱	متوسط	
۰/۱۲۰-	۰/۳۱۶-	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۲۱۸	۰/۲۱۸-	پایین	بعد عینی
۰/۳۶۶-	۰/۵۷۹-	۰/۰۰۰	۰/۰۴۴	۰/۴۷۳-	۰/۴۷۳-	بالا	
۰/۳۱۶	۰/۱۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۲۱۸	۰/۲۱۸	پایین	
۰/۱۷۵-	۰/۳۳۴-	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	۰/۲۵۴-	۰/۲۵۴-	بالا	بعد عینی
۰/۵۷۹	۰/۳۶۶	۰/۰۰۰	۰/۰۴۴	۰/۴۷۳	۰/۴۷۳	پایین	
۰/۳۳۴	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	متوسط	۰/۲۵۴	متوسط	

لذا با توجه به آزمون‌های انجام شده تأثیر متغیر زیست پذیری مسکن بر هر دو بعد عینی و ذهنی مورد تأیید قرار می‌گیرد اما با توجه به میزان ضریب تعیین تعدیل شده، میزان بتای هر دو بعد و با توجه به جمع مربعات در هر دو بعد، بیشترین تأثیر متغیر زیست پذیری بر بعد عینی کیفیت زندگی می‌باشد. این نتیجه می‌تواند به این دلیل باشد که مسکن به عنوان یک جزء کالبدی، بیشتر دارای جنبه عینی و ظاهری در مرحله اول داشته و بعد جنبه های ذهنی آن مد نظر قرار می‌گیرد. به عبارتی روستاییان در گام نخست بیشتر به علاقه مند به این هستند که مساکن آنها از ظاهر بهتری برخوردار باشد و در حله اول گویای یک شرایط زندگی مناسب در برابر دیگران باشد.

نتیجه‌گیری

سکونتگاه زیست‌پذیر جایی است که امکان دسترسی به زیرساخت‌ها (حمل‌ونقل، ارتباطات، آب و بهداشت)، غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل مناسب و موردعلاقه و فضای سبز و پارک‌ها را برای همه شهروندان مهیا سازد. دهستان زیرکوه با تو به قرارگیری در نواحی محروم کشور که از لحاظ شاخص‌های توسعه در سطح پایینی می‌باشد و از طرف دیگر وقوع خشک‌سالی‌های پی‌درپی اقتصاد این منطقه را که به غالباً به کشاورزی و دامداری وابسته است را با رکود مواجه کرده است. اکثر این روستاها به علت مشکلات مالی ناشی از عدم دستیابی به اشتغال مناسب، مسکن نامناسب و پایین بودن شاخص‌های بهداشتی در سال‌های اخیر با مهاجرت روستاییان مواجه بودند. در این تحقیق که با هدف کلی تحلیل رابطه زیست‌پذیری مسکن روستایی با کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) روستاییان، صورت گرفت، شاخص‌های زیست‌پذیری مسکن در ۴ بعد (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی) و ۱۱ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت و از نتایج این‌گونه می‌توان استنباط کرد که روستاهای پیشبر، بمرود، محمدآباد و حسین‌آباد و اردکول بالاترین سطح زیست‌پذیری مسکن را دارا می‌باشند. در مقابل روستاهای مهرک، گمنج، حسن‌آباد و تجنود دارای پایین‌ترین سطح زیست‌پذیری مسکن از دید جامعه نمونه‌اند و میانگین زیست‌پذیری مسکن در روستاهای منطقه مورد مطالعه در حد متوسط به بالا قرار دارد و بیشترین میانگین به بعد اجتماعی (۳/۵۵) و کمترین میانگین متعلق به بعد اقتصادی (۳/۰۶) می‌باشد. با توجه به مؤلفه‌های بعد اجتماعی، میزان آسایش و رفاه و امنیت مسکن در روستاهای مورد مطالعه در حد متوسط رو به بالا قرار دارد که احساس امنیت و آرامش روستاییان را نسبت به مسکن بیان می‌کند. مؤلفه‌های بعد اقتصادی بیانگر رضایت کم روستاییان از هزینه‌های تعمیر مسکن است که بیانگر پایین بودن کمک‌هزینه‌های تعمیر مسکن در منطقه مورد مطالعه است. همچنین شاخص‌های کیفیت زندگی در دو بعد عینی و ذهنی و هرکدام از این ابعاد با ۴ شاخص مشخص گردید و میانگین کیفیت زندگی در روستاهای پیشبر، حسین‌آباد و محمدآباد و بمرود در حد متوسط به بالا است، بر پایه بررسی‌ها و مشاهدات پژوهش، این وضعیت در نتیجه برخورداری این روستاها از جمعیت بیشتر نسبت به سایر روستاها، دسترسی به خدمات مناسب‌تر و موقعیت بهتر نسبت به مرکز شهرستان است به طوری که در مجموع شرایط مناسب‌تری دارند و در نتیجه، ساکنان این روستاها از کیفیت زندگی مطلوبی برخوردار هستند؛ اما این میزان در روستاهای مهرک، حسن‌آباد، حسین‌آباد، مهمان‌شهر و تجنود در حد متوسط به پایین است. در بین گویه‌های بعد عینی بیشترین میانگین متعلق به گویه وضعیت معابر از لحاظ سهولت دسترسی با میانگین (۳/۵۹)، که علت آن عریض بودن معابر درون روستاها در بافت‌های جدید و قدیم روستاها است و کم‌ترین میانگین متعلق به گویه درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در روستا با میانگین (۱/۹۳) که علت آن خشک‌سالی‌های اخیر مرگ‌ومیر دام تا و به‌صرفه نبودن دامداری و کشاورزی در منطقه مورد مطالعه است. در بین گویه‌های بعد ذهنی بیشترین میانگین متعلق به دو گویه رضایت از سکون و آرامش و نبود آلودگی صوتی و رضایت از وضعیت شبکه ارتباطی و راه‌های داخل روستا با میانگین (۳/۴۶) که علت آن کاهش جمعیت روستاها و سکوت و آرامش بیشتر نسبت به سال‌های با جمعیت بیشتر و همچنین ساختار اصولی بافت‌های جدید و قدیم معابر روستایی با توجه به دشتی بودن و مسطح بودن اکثر روستاهای مورد مطالعه است. کم‌ترین میانگین متعلق به گویه درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در روستا با میانگین (۲/۰۳)، بیانگر عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی برای روستاییان و پایین بودن درآمد شغل‌های موجود است، علت این مسئله هم خشک‌سالی‌های پی‌درپی، بهره‌برداری از شیوه‌های تولید سنتی و غیر کارآمد و عدم تنوع شغلی بوده است. در مجموع ارزیابی گویه‌های بعد ذهنی و عینی کیفیت زندگی نشان‌دهنده این است که در روستاهای مورد مطالعه کیفیت زندگی در ابعاد عینی و ذهنی در وضعیت متوسط به پایینی قرار دارد. نتایج آزمون‌های همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان می‌دهد که سطح معناداری به‌دست‌آمده تمام شاخص‌ها و ابعاد زیست‌پذیری اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی ۰/۰۰۰ است و کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، دارای رابطه معنی‌داری با کیفیت زندگی هستند و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین با استفاده از رگرسیون خطی ساده، جهت پیش‌بینی تأثیر متغیر زیست‌پذیری مسکن بر کیفیت زندگی (ذهنی و عینی)، ضریب تعیین تعدیل‌شده برای بعد ذهنی برابر با ۰/۳۰۷ و برای بعد عینی ۰/۳۲۸ می‌باشد که نشان می‌دهد تأثیر متغیر زیست‌پذیری بیشتر بر بعد عینی کیفیت زندگی می‌باشد.

نتایج این تحقیق، با نتایج تحقیقات خراسانی (۱۳۹۱)، مینی بر اینکه بین روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح زیست‌پذیری تفاوت معناداری مشاهده می‌شود، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۴)، بین ابعاد زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی با کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد، یگانه و همکاران (۱۳۹۵)، پایین بودن سطح کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه و علیرزاده و

همکاران (۱۳۹۲)، میزان رضایت شهروندان از کیفیت محیط در حد مطلوب قرار ندارد، مطابقت دارد. همچنین نتایج این مطالعه که وضعیت کیفیت زندگی را در بعد اقتصادی به‌خصوص درآمد و اشتغال، نامطلوب ارزیابی کرده است را می‌توان مغایر با یافته‌های خراسانی و همکاران (۱۳۹۲) دانست. در نهایت با توجه به شرایط منطقه مورد مطالعه و نتایج به‌دست‌آمده از وضعیت زیست‌پذیری مسکن و کیفیت زندگی روستاییان، لذا در راستای ارتقای زیست‌پذیری مسکن و کاستن مسائل و مشکلات ناشی از عدم توجه به آن و در نهایت رسیدن به کیفیت زندگی مطلوب روستایی، پیشنهادها زیر ارائه شده است:

- تقویت سطوح زیست‌پذیری مسکن بخصوص در بعد اقتصادی در مناطق روستایی از طریق ارائه تسهیلات با مبلغ بالا و بازپرداخت بلندمدت.
- طراحی الگوهای مسکن متناسب با شرایط زیست برای هر منطقه روستایی.
- کنترل دوره‌ای استانداردهای اسکان و بهداشت در مسکن روستایی و ارائه توصیه‌های ترویجی.
- برگزاری دوره‌های آموزشی در رابطه با شیوه‌های مناسب ساخت و نگهداری مسکن به روستاییان.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در دانشگاه فردوسی مشهد از آن دفاع شده است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و قادرمیزی، جمیل. (۱۳۹۴). تحلیلی بر کیفیت مسکن محلات شهری راهکاری جهت بهبود کیفیت زندگی شهروندان مطالعه موردی: محلات شهر دهگلان. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۳(۴۰)، ۱۳۹-۱۵۶.
- پورطاهری، مهدی؛ افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و فتاحی، احداالله. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۳(۲)، ۱۳-۳۳.
- جمعه‌پور، محمود و طهماسبی‌تهرانی، شهرزاد. (۱۳۹۲). تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار). *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۱(۳)، ۴۹-۶۰.
- خراسانی، محمدامین. (۱۳۹۲). تحلیل ارتباط زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با برخورداری خدماتی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین). دانشگاه تهران، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: دکتر محمد رضا رضوانی.
- رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی. *روستا و توسعه*، ۱۱(۳)، ۱-۲۶.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران*. تهران: انتشارات قومس.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادق‌قلو، طاهره و محمودی، حمیده. (۱۳۹۴). ارزیابی و تحلیل کیفیت مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان کنویست شهرستان مشهد)، *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۶)، ۱۳۳-۱۴۸.
- علی‌زاده، توحید؛ بابایی اقدم، فریدون؛ علی‌زاده، جابر و رنجبرنیا، بهزد. (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت محیط زندگی در روستا-شهرها از دیدگاه ساکنین براساس تکنیک‌های مبتنی بر منطق فازی مطالعه موردی: روستا-شهر اصلاندوز. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۳(۱۴۷)، ۶۵-۸۲.
- عباسستانی، علی‌اکبر و محمودی، حمیده. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر گردشگری مذهبی بر ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: حوزه نفوذ گردشگاهی شهر مشهد). *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۵(۱۸)، ۹۷-۱۱۸.
- محمدی یگانه، بهروز؛ چراغی، مهدی و صمدی، فواد. (۱۳۹۵). ارزیابی اثرات کیفیت مسکن در سرزندگی سکونتگاه‌های روستایی دهستان خاومیرآباد، شهرستان مریوان. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۶(۴۳)، ۱۰۷-۱۲۴.
- D'Agostini, L.R., & Fantini, A.C. (2008). Quality of Life and Quality of Living Conditions in Rural Areas: Distinctively Perceived and Quantitatively Distinguished. *Social indicator research*, 89, 487-499. <https://www.jstor.org/stable/27734758>.
- Dajian, Z., & Rogers, P. (2006). World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development Chinese, *Journal of Population, Resources and Environment*, 4(1), 25-29. <https://doi.org/10.1080/10042857.2006.10677445>.

- Kalfoss, M., & Halvorsrud, L. (2009). Important Issues to Quality of Life among Norwegian Older Adults: An Exploratory Study. *The Open Nursing Journal*, 3, 45-55. <https://doi.org/10.2174/1874434600903010045>.
- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman., G., & de Hollander, A. (2003). Urban Environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of conceptes; a literature study. *landscape and Urban Planning*. 65. 5-18. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(02\)00232-3](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(02)00232-3).
- Wang, X. (2010). The research on the evaluation index system of livable of rural areas in China- by the case of rural areas in Henan Province. *Agriculture and Agricultural Science Procedia*, 1(1), 456-461. <https://doi.org/10.1016/j.aaspro.2010.09.057>.

How to cite this article:

Gholami, M., Sojasi Gheidari, H., & Anabestani, A. (2024). Analysis of the Relationship between the Livability of Rural Houses and the Quality of Life of Villagers (Case Study: Zirkoh County, Zirkoh District). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 19(1), 79-91.

ارجا به این مقاله:

غلامی، محمد؛ سجاسی قیداری، حمدالله و عنایستانی، علی اکبر. (۱۴۰۳). تحلیل رابطه زیست‌پذیری مسکن روستایی با کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان زیرکوه، دهستان زیرکوه). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۹(۱)، ۷۹-۹۱.

فصلنامه

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی